

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .1
spring & summer & winter 2022
DOI:10.22034/
jep.2022.312661.1365
jep.emamat.ir



* Esoteric Imamate in *Başāir al-Darajāt* and *al-Irshād**

Maryam Ahadian¹/ Fathiyeh Fattahizadeh² / ‘Abdulhussein Khosro Panah³/ Parvin Baharzadeh⁴

Abstract:

Amir Moezzi, a well-known Shia scholar in Europe, in his book ‘The Divine Guide in Early Shiism’, categorizes the *Imāmiyya* into two traditions, namely the non-rationalist esotericist, i.e. the school of Qom, and the exoteric rationalists i.e. the school of Baghdad. He claims that the concept of ‘Intellect’ in the early *Imāmiyya* has been applied to deductive intellect as well as to perceive meta-rational matters, but it is merely limited to deductive intellect from the perspectives of theologians in the school of Baghdad. Hence, the belief in meta-rational and esoteric problems, including the divine knowledge and miraculous powers of Imams (PBUT) are related to the early Shia while are rejected in the school of Baghdad. Thus, it is necessary to evaluate *Amir Moezzi’s* theory through scientific study in order to introduce true Shiism to the world since his works have been counted as a source of study for Western researchers.

In this study, his claim regarding the change in the concept of ‘Intellect’ in the school of Qom and Baghdad is examined and analyzed. Furthermore, the *Aḥādīth* (traditions) concerning the divine knowledge and supernatural power of Imams (PBUT) are analyzed in two Hadith books of both schools, namely *Başāir al-Darajāt* and *Al-Irshād*. Accordingly, many traditions in respect of the Imams’ divine knowledge and Their supernatural powers are expressed in the school of Baghdad as well, and the entire rejection of the traditions, which was claimed by *Amir Moezzi*, has never been accomplished. Additionally, by examining the theological perspectives of Baghdad theologians, it is explicitly realized that their opposition to some esoteric teachings has not been due to the meta-rational nature of the mentioned beliefs, but due to finding some disputes in the fundament of accepting traditions, such as lack of authoritativeness of *Khabar Wāhid* (single tradition).

Keywords: Amir Moezzi, *Başāir al-Darajāt*, *al-Irshād*, Analysis of Content

* Date of receipt: 30/10/2021, Date of acceptance: 14/11/2022.

1. Corresponding author; Ph.D. Candidate, Alzahra University, Tehran, Iran, maryam.ahadian@yahoo.com
2. Professor, Department of the Qur’an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir
3. Professor, Department of Philosophy, Research center for Philosophy and Religious Studies, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran, khosropanahdezfuli@gmail.com
4. Associate Professor, Department of the Qur’an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, bahar-p@alzahra.ac.ir

الإمامة الباطنية في كتابي بصائر الدرجات والإرشاد*

مريم أهديان (المؤلفة) ١/ فتحية فتاحي زادة ٢/ عبدالحسين خسروبناه ٣/ بروين بهارزادة ٤

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثانية عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٢

jep.emamat.ir



الخلاصة:

قام أمير معزي - أحد أشهر المتخصصين في دراسة التشيع في أوروبا - في كتابه: "الدليل الرباني (الروحاني) في التشيع الأول" بتقسيم الإمامية إلى تيارين: باطنية، غير عقلايين، ويقصد بها مدرسة قم.. وظاهرية، عقلايون، ويقصد بها مدرسة بغداد، وزعم أن مفهوم "العقل" عند سلف الإمامية هو استخدام العقل الاستدلالي لفهم الأمور، مضافاً إلى ما وراء العقل، لكنه عند مدرسة المتكلمين في بغداد اقتصر على العقل الاستدلالي فقط. وبالنتيجة فالاعتقاد بالمسائل الباطنية وما وراء العقل، مثل العلم الإلهامي للأئمة عليهم السلام، وقدراتهم الإعجازية، يرتبط بالشيعية الأوائل، وهذا الاعتقاد مرفوض عند مدرسة بغداد.

وبما أن كتاب أمير معزي كان مصدرًا لدراسات العلماء الغربيين، فمن الضروري تقييم نظريته بمنهج علمي، حتى يتم تعريف العالم بمنهج الإمامية الحقيقي.

في هذا البحث تمت مناقشة ادعاءات أمير معزي بشأن تغيير مفهوم "العقل" في مدرستي قم وبغداد، ونقدها. وكذلك تحليل روايات "علم الغيب وقدرة المعجزة للأئمة عليهم السلام" الواردة في كتابين للحديث عند هاتين المدرستين، وهما: "بصائر الدرجات" و "الإرشاد"، ووفقاً لهذا التحليل فقد ثبت أن كثير من روايات علم الغيب وقدرة المعجزة للأئمة عليهم السلام موجودة أيضاً في مدرسة بغداد، ولم يتم مطلقاً الاستبعاد الكامل للروايات في هذا المجال، كما ادعى أمير معزي.. كما تبين أيضاً، من خلال دراسة الآراء الكلامية لمتكلمي مدرسة بغداد، أن مخالفتهم لبعض العقائد الباطنية لم تكن بسبب أن هذه العقائد كانت من "ما وراء العقل"، بل بسبب الاختلاف في مبنى قبول الروايات، مثل عدم حجية الخبر الواحد.

الكلمات الرئيسية: أمير معزي، بصائر الدرجات، الإرشاد، تحليل المضمون.

* تاريخ الاستلام: ٢٠ أكتوبر ٢٠٢٠م. تاريخ القبول: ١٤ نوفمبر ٢٠٢٢م.

١. طالبة دكتوراه بجامعة الزهراء، محافظة طهران، إيران maryam.ahadian@yahoo.com

٢. أستاذة لقسم العلوم القرآنية والأحاديث في كلية الإلهيات بجامعة الزهراء، محافظة طهران، إيران f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

٣. أستاذة قسم الفلسفة في كلية الدراسات الحكيمة والدينية بمعهد البحوث الثقافية والفلسفة الإسلامية، محافظة طهران، إيران khosropanahdezfuli@gmail.com

٤. أستاذة مساعدة لقسم العلوم القرآنية والأحاديث في كلية الإلهيات بجامعة الزهراء، محافظة طهران، إيران bahar-p@alzahra.ac.ir

امامت باطنی در بصائر الدرجات و الإرشاد*

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۱۹۱ - ۲۳۳

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2022.312661.1365



مریم احدیان^۱ / فتحیه فتاحی زاده^۲ / عبدالحسین خسروپناه^۳ / پروین بهارزاده^۴

چکیده

امیرمعزی، یکی از معروف ترین شیعه پژوهان اروپا، در کتاب «راهنمای ربانی در تشیع نخستین» امامیه را به دو سنت باطن گرایان غیرعقل گرا؛ یعنی مکتب قم، و عقل گرایان ظاهرگرا در مکتب بغداد تقسیم می کند و مدعی است مفهوم «عقل» در امامیه نخستین علاوه بر عقل استدلالی برای دریافت امور فراعقلانی نیز کاربرد داشته است؛ ولی در مکتب متکلمان بغداد فقط محدود به عقل استدلالی شد. در نتیجه، اعتقاد به امور فراعقلانی و باطنی از جمله علم الهامی و نیروهای معجزه گر امامان علیهم السلام مربوط به شیعه نخستین است و در مکتب بغداد این اعتقاد مطرود شد. از آنجا که آثار امیرمعزی، منبع مطالعاتی دانش پژوهان غربی بوده، لازم است با مطالعه علمی، نظریه وی ارزیابی شود تا تشیع حقیقی به جهانیان معرفی گردد.

در این پژوهش، ادعای امیرمعزی درباره تغییر مفهوم «عقل» در مکتب قم و مکتب بغداد بررسی و نقد شد. همچنین روایات «علم غیب و قدرت مافوق طبیعی امامان» در دو کتاب حدیثی این دو مکتب؛ یعنی «بصائر الدرجات» و «الإرشاد» تحلیل شد. طبق این تحلیل مشخص شد، بسیاری از روایات علم غیب و قدرت امام در مکتب بغداد نیز طرح شده و طرد کامل روایات این حوزه؛ چنانکه امیرمعزی مدعی است، هرگز صورت نگرفته است. همچنین با بررسی آرای کلامی متکلمان بغداد روشن شد مخالفت های ایشان با برخی معارف باطنی نه به دلیل فراعقلانی بودن این عقاید، بلکه به دلیل اختلاف در مبنای پذیرش روایات از جمله عدم حجیت خبر واحد بوده است.

کلیدواژه ها: امیرمعزی، بصائر الدرجات، الإرشاد، تحلیل محتوا.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳.

۱. دانشجوی دکترا، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول) maryam.ahadian@yahoo.com

۲. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳. استاد، گروه فلسفه، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

khosropanahdezfuli@gmail.com

۴. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

bahar-p@alzahra.ac.ir

مقدمه

امامت، رهبری جامعه اسلامی به نصب الهی و جانشینی پیامبر ﷺ در امور دینی و دنیوی است.^۱ بر اساس اعتقاد شیعیان، آموزه امامت موجب تکمیل و ماندگاری دین اسلام شده است و امامان به عنوان جانشینان رسول خدا ﷺ، قول و فعلشان همانند قول و فعل پیامبر، معتبر است. از این جهت، شیعیان علاوه بر ثبت روایات پیامبر ﷺ، به نگارش حدیث امامان علیهم السلام نیز پرداختند و در مناطق مختلف، حوزه‌ها و مکتب‌های حدیثی شیعه شکل گرفت. از قرن سوم به بعد، دو مکتب قم و بغداد به مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه تبدیل شدند و مکتب حدیثی قم در قرن سوم و چهارم، به اوج فعالیت خود رسید. نص‌گرایی و پرهیز شدید از غلو، در این مکتب حدیثی رایج بود.^۲ در حوزه بغداد، در قرن چهارم، وجود درگیری‌های فکری بین شیعیان و مخالفان ایشان و اثرپذیری از حوزه حدیثی کوفه، سبب بروز گرایش‌های عقل‌گرایی و اجتهاد در احادیث فقهی شد و با تلاش‌های شیخ مفید و سید مرتضی به اوج خود رسید.^۳

مطالعه و تحقیق درباره تشیع، از موضوعات مورد توجه مستشرقان بوده، که در دهه‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته است. امیرمعزی، استاد کرسی شیعه‌شناسی و یکی از معروف‌ترین شیعه‌پژوهان در فرانسه و اروپا به حساب می‌آید. مرکز ثقل مطالعات امیرمعزی، معرفی و تبیین امام‌شناسی شیعه است.^۴ مهم‌ترین اثر او، کتاب راهنمای ربانی در تشیع نخستین است. هدف وی در این کتاب، تجزیه و تحلیل واقعیت امام‌شناسی در تشیع اولیه با استناد به کهن‌ترین و مهم‌ترین متون روایی بازمانده است.

منبع اصلی روایات در آثار امیرمعزی، کتاب بصائر الدرجات صفار قمی است.

۱. بحرانی، میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۷۴؛ فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۳۲۹.

۲. جبّاری، محمدرضا، مکتب حدیثی قم، ص ۵۷-۶۴.

۳. همان، ص ۷۳-۷۸.

۴. آثار وی شامل نه کتاب، ۱۶۸ مقاله و سی سمینار است.

به نظر وی این کتاب، خالص‌ترین و وفادارترین منبع در سنت اولیه «باطنی» - فراعقلانی^۱ بوده و متنی بنیادین برای مطالعه پیدایش و شکل‌گیری عقاید باطنی در جهان اسلام است.^۱

امیرمعزی معتقد است مفهوم «عقل» در دیدگاه امامیه نخستین علاوه بر عقل استدلالی، برای دریافت امور فراعقلانی نیز کاربرد داشته است و امامیه در قرون نخستین، مذهبی باطنی فراعقلانی بوده است^۲ که حاملان آن غالیان^۳ هستند. ولی از اواسط قرن چهارم، شیخ مفید و پیروان او، تحت تأثیر مکتب اعتزال قرار گرفتند و عقل محدود به عقل استدلالی شد. در نتیجه، برخی از آموزه‌های مرتبط با امامت، که جنبه باطنی و فراعقلی داشت؛ مانند علم و قدرت مافوق طبیعی امامان علیهم‌السلام، مطرود شده و جهان‌بینی شیعه، تغییر ماهیت می‌دهد.^۴

پژوهش حاضر به بررسی این ادعا پرداخته است و برای نمونه دو کتاب بصائر الدرجات و الإرشاد، دو اثر مهم حدیثی مکتب قم و بغداد، انتخاب شدند. چنانکه گفته شد، بصائر الدرجات یکی از مستندات مهم امیرمعزی بوده و احادیث آن درباره مسئله امامت و جایگاه امام است. الإرشاد نیز یکی از کتب حدیثی معروف شیخ مفید و مکتب بغداد در حوزه امامت‌شناسی است. در این دو کتاب موضوع علم غیب و قدرت امام، که از دیدگاه امیرمعزی از آموزه‌های اصلی سده‌های نخستین بوده و با تغییر مفهوم «عقل» در مکتب بغداد مطرود شده است، بررسی می‌شود تا مشخص شود این مباحث در دو مکتب قم و بغداد چه جایگاهی دارند.

پرداختن به این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که امیرمعزی، از معروف‌ترین شیعه‌پژوهان در فرانسه و اروپا به حساب می‌آید و آثار و نظریات وی منبع مطالعاتی دانش‌پژوهان غربی و نواندیشان شیعه است. از این رو، لازم

۱. امیرمعزی، محمد علی، «صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات»، امامت پژوهی، ۴/ ۸۱-۱۱۱.

2. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, The Divine Guide in Early Shī'ism, p125.

۳. همان، ص ۱۲۹.

۴. همان، ص ۱۵-۱۹.

است با مطالعه دقیق، روشمند و مطابق با معیارهای علمی روز، نظریه وی درباره «باطنی و غالیانه بودن تشیع اصیل و متفاوت بودن آن با تشیع کنونی در روند گذار از نقل‌گرایی به عقل‌گرایی»، مورد ارزیابی واقع شود تا تشیع حقیقی به جهانیان معرفی شود.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، کتابی کلامی - تاریخی درباره تاریخ زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام، نوشته شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) از متکلمان و فقهای برجسته شیعه است. شیخ مفید با توجه به روایاتی که در اختیار داشته، این کتاب را جمع‌آوری کرده و به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و یاران آنان نیز اشاره دارد. این کتاب از معتبرترین منابع روایی شیعه درباره تاریخ ائمه علیهم‌السلام به شمار می‌آید و بسیاری از منابع مهم شیعه که به زندگانی ائمه پرداخته‌اند، این کتاب را مستند خود قرار داده‌اند. این کتاب از مصادر بحار الأنوار بوده و بهترین کتاب برای دستیابی به منابع اولیه شیعه درباره زندگانی و فضایل ائمه علیهم‌السلام است. الإرشاد در یک مقدمه و دوازده باب به تعداد ائمه شیعه علیهم‌السلام تنظیم شده است. بخش عمده و بیشترین حجم کتاب پیرامون امام علی علیه‌السلام است و پس از آن، زندگانی دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده است. در ذیل هر باب، از سه تا سیزده فصل با عناوین مختلف مربوط به مسائل تاریخی عام (حوادث مسلمانان)، مسائل تاریخی هر امام (ولادت، سرگذشت و شهادت)، فضایل، اصحاب، کلمات و خطبه‌ها، اولاد، فضیلت زیارت، کرامات و معجزات، و مناظرات و احتجاج‌های آن بزرگواران منعقد شده است.

بصائر الدرجات، تألیف صفار قمی (م. ۲۹۰ ق)، از اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام^۱ است. علمای علم رجال، صفار را ستوده و ضمن توثیق، وی را عظیم‌القدر، راجح و قلیل‌السقط در روایت خوانده‌اند. نجاشی، قریب چهل عنوان از آثار صفار، عمدتاً در ابواب فقه را نام برده است.^۲ این کتاب، اثری روایی با رویکرد کلامی است که احادیث آن درباره مسئله امامت، شناخت امام و فضایل ائمه اطهار علیهم‌السلام است. بسیاری از بزرگان و عالمان دین، آن را توثیق و در شمار مصادر کتب خویش

۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۲۲۱.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۳۵۷.

ذکر کرده‌اند.^۱ بصائر الدرجات حاوی ۱۸۸۱ حدیث است. ده بخش اصلی دارد که هر بخش مشتمل بر ده تا ۲۴ باب است. اغلب احادیث این کتاب، کامل است و در آن‌ها تعلیق یا ارسال دیده نمی‌شود.

در پیشینه تحقیق، دو دسته پژوهش وجود دارد: پژوهش‌های حوزه علم غیب و قدرت امام در مکتب قم و بغداد، و دوم پژوهش‌هایی که در جهت بررسی نظریات امیرمعزی انجام شده است.

برخی از پژوهش‌های حوزه علم و قدرت امام در مکتب قم و بغداد عبارتند از: «بررسی منشأ، قلمرو و چگونگی نحوه اعمال ولایت تکوینی ائمه اطهار علیهم‌السلام در کافی»^۲، «اندیشه عالمان مکتب بغداد در مسئله ولایت تکوینی»^۳ و «گستره علم امام از منظر کلینی و صفار»^۴.

برخی پژوهش‌هایی که در جهت بررسی نظریات امیرمعزی انجام شده است عبارتند از: «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین در بوتۀ نقد»^۵، «واکاوی نقادانه روش خاورشناسان در فهم احادیث درباره آموزه امامت (مطالعه موردی کتاب راهنمای ربانی در تشیع نخستین)»^۶ و «بررسی و نقد اندیشه امیرمعزی در باب امامت سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام»^۷.

۱. همان.

۲. فاریاب، محمدحسین، «بررسی منشأ، قلمرو و چگونگی نحوه اعمال ولایت تکوینی ائمه اطهار علیهم‌السلام در کافی»، معرفت، ۱۳۳/۲۲۵-۱۱۸.

۳. فرمانیان، مهدی و رحیمی، جعفر، «اندیشه عالمان مکتب بغداد در مسئله ولایت تکوینی»، نقد و نظر، ش ۹۵/۸۲-۱۱۵.

۴. حمادی، عبدالرضا، «گستره علم امام از منظر کلینی و صفار»، امامت پژوهی، ۵۷/۴-۷۹.

۵. رضایی، محمدجعفر، نصیری، محمد، «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین در بوتۀ نقد»، نقد و نظر، ۱۷۳/۶۷-۱۹۸.

۶. خانی مقدم، مهیار و دیاری بیدگلی، محمدتقی، «واکاوی نقادانه روش خاورشناسان در فهم احادیث درباره آموزه امامت»، علوم حدیث، ۱۱۱/۴-۱۳۵.

۷. آفانوری، علی و هادی منش، ابوالفضل، «بررسی و نقد اندیشه امیرمعزی در باب امامت سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام»، پژوهش نامه امامیه، ۴۷/۳-۷۲.

وجه نوآوری پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل احادیث علم غیب و قدرت امام در بصائر الدرجات و الإرشاد، و استفاده از نتایج حاصل از آن در بررسی نظریات امیرمعزی است.

۱. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا در بررسی روایات استفاده شده است. روش تحلیل محتوا یا روش تحلیل مضمونی، روشی علمی برای تفسیر متن است که نتایج به دست آمده از طریق آن، اعتبار بالایی دارد. این شیوه، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی کاربرد دارد. «لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که تحلیل محتوا در حقیقت فنّ پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتواست؛ و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند.^۱ بنابراین از آنجا که روش تحلیل محتوا، روشی علمی برای تفسیر متن است و نتایج به دست آمده از طریق آن دارای اعتبار بالایی است، این تحقیق بر آن شد تا با استفاده از این روش، به بررسی و تحلیل روایات بصائر الدرجات و الإرشاد پردازد. تکنیک اتخاذ شده، فنّ تحلیل محتوای مضمونی بر اساس واحد جملات است که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. قرار دادن روایات در جدول؛
۲. تبدیل عناصر مرتبط در یک روایت به مضامین و مفاهیم؛
۳. مقوله‌بندی مضامین؛
۴. مدل‌سازی و ارائه نتیجه.

۲. تبیین و بررسی دیدگاه امیرمعزی درباره مفهوم «عقل» در مکتب قم و بغداد
از آنجا که مهم‌ترین رکن دیدگاه امیرمعزی تعریف او از «عقل» و تفاوت آن در مکتب قم و بغداد است و او علت طرد شدن معارف باطنی؛ مانند علم و قدرت

۱. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ۲۱۱.

ماورایی امام در مکتب بغداد را تغییر مفهوم عقل در این مکتب می‌داند، لازم است پیش از تحلیل محتوای کتاب‌های بصائر الدرجات و الإرشاد به تبیین و بررسی دیدگاه امیرمعزی درباره این موضوع پرداخته شود.

۲-۱. تبیین دیدگاه امیرمعزی

امیرمعزی در کتاب راهنمای ربانی معتقد است، طبق نظر امامان، عقل تنها راه درک آموزه‌هایشان است و بدون آن، سخنان امامان قابل درک نیست. وی علت این‌که الکافی با «کتاب عقل و جهل» آغاز شده است را همین اهمیت عقل نزد امامان می‌داند. امیرمعزی سپس روایات کتاب عقل و جهل را به چهار دسته: جنبه کیهان‌زادی عقل، جنبه اخلاقی - معرفت‌شناختی، جنبه باطنی و جنبه نجات‌بخشی تقسیم می‌کند.^۱

او در جنبه کیهان‌زادی، به روایت چهاردهم؛ یعنی حدیث جنود عقل و جهل^۲ استناد کرده و معتقد است در این روایت چند بعد اساسی جنبه کیهان‌زادی عقل؛ یعنی اولین مخلوق بودن عقل و آفرینش آن از نور خداوند، مطرح شده است.^۳

امیرمعزی در جنبه اخلاقی - معرفت‌شناختی، با استناد به روایات شماره ۳۵، ۱۸، ۲۷ و ۱۲ می‌گوید: طبق این جنبه، عقل هدیه‌ای از جانب خداوند است و با تلاش انسان به دست نمی‌آید؛ انسان فقط می‌تواند با کمک علم، یعنی علم رازآشنایی^۴ که امامان به روش‌های گوناگون آموزش می‌دهند، عقل را توسعه دهد و از قوه به

1. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, The Divine Guide in Early Shi'ism, p7-11.

۲. «إن الله - عزوجل - خلق العقل - وهو أول خلق من الروحانيين عن يمين العرش - من نوره، فقال له: أدبر، فأدبر، ثم قال له: أقبل، فأقبل، فقال الله تبارك وتعالى: خلقتك خلقا عظيما، وكرمتك على جميع خلقي»؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۴۳-۵۱.

3. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, The Divine Guide in Early Shi'ism, p7-8.

۴. مقصود از علم رازآشنایی، داده‌های کیهان‌زاد، علم الهامی یا نیروهای معجزه‌گر امامان و سایر عناصر باطنی و غیبی است که ملزومات اساسی عقیده امامی را تشکیل می‌دهد؛ رک: همان، ص ۱۲.

فعل درآورد. در نهایت، از عبارت «معرفة العلم بالعقل»^۱ در روایت دوازدهم نتیجه می‌گیرد که شناخت علم باطنی که توسط امامان تعلیم داده می‌شود، فقط توسط عقل ممکن است.^۲

امیرمoezzi در جنبه باطنی به روایات ۲، ۶، ۱۲ و ۳۱ استناد کرده و می‌گوید: در روایت ۱۲، امام جنبه‌های مختلف باطنی عقل را مطرح کرده است و عقل را به عنوان نیروی درک ماورای طبیعی می‌داند که توسط آن فرد می‌تواند آیات خداوند را بشناسد.^۳ وی روایات «خودبینی انسان، دلیل بر سستی عقل اوست»^۴، «همراهی دین و حیا با عقل»^۵ و «هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود»^۶ را این‌گونه تفسیر می‌کند که بدون عقل، انسان از رابطه خود با نقشة الهی جدا می‌ماند و شرایط خود را به عنوان مخلوق فراموش می‌کند و به خودخواهی ناپرهیزکارانه بی‌دینی سقوط می‌کند.^۷

امیرمoezzi در بعد نجات‌بخشی عقل معتقد است طبق روایات ۱، ۳، ۹، ۱۷، ۱۸،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳۷/۱.

2. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, *The Divine Guide in Early Shī'ism*, p8-9.

۳. همان، ص ۹.

۴. روایت ۳۱: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۶۳/۱.

۵. روایت ۲: همان، ۲۵/۱.

۶. روایت ۶: همان، ۲۷/۱.

۷. همان، ۳۰/۱-۴۲. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, *The Divine Guide in Early Shī'ism*, p9.

۸. «به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد، نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه توست»؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴/۱.

۹. «شخصی از امام ششم پرسید: عقل چیست؟ فرمود: چیزی است که به وسیله آن خدا را بپرستند و بهشت را به دست آرند. راوی گوید: گفتم: آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: نیرنگ و شیطنت بود؛ آن مانند عقل است، ولی عقل نیست»؛ همان، ۲۵/۱.

۱۰. «خدا در روز قیامت نسبت به بندگان خود به اندازه عقلی که به آن‌ها داده، خرده‌گیری می‌کند»؛ همان، ۲۷/۱.

۱۱. «کیفیت دین هر کس وابسته به کیفیت عقل اوست»؛ همان، ۲۸/۱.

۱۰ و ۲۱ در غیاب عقل، دین فقط می‌تواند مذهبی کاذب با نمای ظاهری از تقوا و ریاکاری باشد.

امیرمعزی بعد از این تقسیم‌بندی نتیجه می‌گیرد: طبق روایات، عقل محور مذهبی امامان و کلید گشودن رمز و راز آموزه‌های آنان است. بصیرت حاصل از این عقل، فرد را قادر می‌سازد عقیده امامان را که شامل عناصر فراعقلانی؛ یعنی عناصر کیهانی، باطنی (علم الهامی و نیروهای معجزه‌گر امامان) و سحرآمیز و جادویی بود، درک کند. این عقل یا خرد قدسی با عقل متون کلامی که به معنای قوه استدلال دیالکتیکی است، متفاوت است؛ زیرا عقل در دیدگاه متکلمان ابزار تعقل است، در حالی که نزد امامان به همان اندازه که نیروی تعقل و ادراک به شمار می‌رود، ابزاری برای دریافت امور فراعقلانی است. از آنجا که استدلال دیالکتیکی، غیرعقلانی را رد می‌کند، بنابراین این عناصر باطنی در مکتب متکلمان طرد می‌شود؛ تا جایی که شیخ مفید و سید مرتضی بر محدثان قم خرده می‌گیرند که در آثار خود تعداد زیادی حدیث وارد کرده‌اند که در پرداخت عقل، غیرمعقول به نظر می‌رسند.^۳

۲-۲. بررسی دیدگاه امیرمعزی

اشکال اساسی ادعای امیرمعزی درباره تفاوت مفهوم «عقل» در مکتب قم و بغداد ناشی از عدم توجه وی به معنای بنیادین عقل و عدم توجه به مفاهیم اصلی روایات است که در ادامه، بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. «عقل» در تعاریف لغت‌شناسان به معنای منع کردن و بازداشتن^۴، فهم

۱. «وقتی کسی به امام جعفر علیه السلام عرض کرد: مردی است عاقل که گرفتار وسواس در وضو و نماز می‌باشد، امام فرمود: چه عقلی که فرمانبری شیطان می‌کند؟!»، همان، ۲۹/۱.
۲. «چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خودنگه‌داریشان کامل شود)»، همان، ۵۷/۱.

3. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, The Divine Guide in Early Shī'ism, p11-13.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۵۹/۱۱.

و درک^۱، نقیض جهل و نادانی^۲، وجه ممیز انسان و حیوان^۳، و نیز به معنای خودداری از گفتار و کردار ناشایست است^۴ و عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و از امیال باز می‌دارد.^۵ بنابراین می‌توان گفت واژه «عقل» ناظر به نوعی شعور است که شامل دو مؤلفه است: ۱. درک، آگاهی و شناخت؛ ۲. تمیز خوب و بد و جلوگیری از انحراف. این دو مؤلفه در اصطلاح فلاسفه، «عقل نظری» و «عقل عملی» نامیده شده است. عقل نظری به قوه‌ای اطلاق می‌شود که کلیات و صور مجرد را درک کرده، مبدأ معرفت به شمار می‌رود و مبنای علوم طبیعی و ریاضی و فلسفه الهی است.^۶ مراد از عقل عملی، قوه ادراک بایدها و نبایدها و تشخیص حسن و قبح عقلی است.^۷

طبق این تعریف می‌توان گفت: مقصود از عقل در برخی از روایات کتاب عقل و جهل الکافی عقل نظری^۸ و در بعضی دیگر عقل عملی است.^۹

۱. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۷/۴ و ۷۴؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۵۹/۱۱.

۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، ۱۶۰/۱.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۵۹/۱۱.

۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۷/۴؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۹۵/۸.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۵۹/۱۱.

۶. مطهری، مرتضی، ده گفتار، ص ۴۶.

۷. همان؛ طباطبائی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۸/۲.

در متون اسلامی به جای تقسیم عقل به «نظری» و «عملی»، تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد و آن، تقسیم عقل به «عقل طبع» و «عقل تجربه» یا «عقل مطبوع» و «عقل مسموع» است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العقل عقلان: عقل الطبع و عقل التجربة، و کلاهما یؤدی المنفعة»؛ محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، ۱۸۵/۱.

۸. می‌توان گفت عقل نظری همان عقل استدلالی مورد نظر امیرمعزی است.

۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۹۹/۱-۱۰۲.

مقصود این نیست که در هر کسی دو قوه عاقله هست؛ بلکه مقصود این است که قوه عاقله انسان دو نوع محصول فکر و اندیشه دارد که از اساس با هم اختلاف دارند: افکار و اندیشه‌های نظری، و افکار و اندیشه‌های عملی.

یکی از روایات ناظر به عقل نظری، روایت سی و پنجم است. در این روایت، عقل ابزاری برای شناخت حقایق است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

فبالعقل عرف العباد خالقهم، و أنهم مخلوقون، و أنه المدبر لهم، و أنهم المدبرون، و أنه الباقي و هم الفانون، و استدلوا بعقولهم على ما رأوا من خلقه: من سمائه و أرضه و شمسه و قمره و ليله و نهاره، و بأن له و لهم خالقا و مدبرا لم يزل و لا يزول؛ ... فهذا ما دلهم عليه العقل.^۱

از میان روایات مورد اشاره امیرمعزی، روایات ۷، ۱۸ و ۲۷ بر عقل نظری دلالت دارند.

از جمله روایاتی که به عقل عملی اشاره دارند، روایت سوم است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» مقصود از عقل در این روایت، آن نیرویی است که انسان را به اهداف آخرتی، رضایت خدا و بهشت جاودان برساند، نه آنچه که در ادامه حدیث به آن اشاره شده است: «قلت: فالذي كان في معاوية؟ فقال: «تلك النكراء، تلك الشيطنة، و هي شبيهة بالعقل و ليست بالعقل».

jep.emamat.ir

۲۰۱

امامت باطنی در بصائر الدرجات و الارشاد

شایسته توضیح است: یکی از فوایدی که در عقل عملی انسان تأثیر دارد، طغیان هوا و هوس است. اگر احساسات، تمایلات و شهوات از حد اعتدال خارج شوند، در برابر فرمان عقل فرمان می دهند و انسان دیگر ندای عقل خویش را نمی شنود؛ بنابراین تأثیر عقل، ضعیف و خنثی می شود.^۲ بدین سبب، معرفت حقیقی و علم سودمند، تنها در صورتی به دست می آید که بشر اخلاق خود را اصلاح کند و فضایل انسانی اش را کامل نماید.^۳

بنابراین مقصود این قسمت روایت این است که هواپرستی و جاه طلبی معاویه، عقل او را پوشانده و نور آن را خاموش کرده است؛ بنابراین آنچه از او صادر

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۶۶/۱.

۲. مطهری، مرتضی، ده گفتار، ص ۴۹-۵۰.

۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۶۷/۵-۲۷۰.

می‌شود، نیرنگ و شیطنتی است که شبیه عقل است، ولی عقل نیست. همچنین در روایت ۳۱ که می‌فرماید: «إعجاب المرء بنفسه دلیل علی ضعف عقله» همین معنا صدق می‌کند؛ یعنی عجب و خودپسندی انسان، تأثیر عقل او را ضعیف می‌کند؛ بنابراین عملی که از وی سر می‌زند، فرمان عقل نبوده و دستوری از جانب امیال باطل اوست. از روایات مورد اشاره امیرمعزی، روایات ۲، ۶، ۸، ۱۰ و ۲۱ نیز به عقل عملی اشاره دارند.

بنابراین می‌توان گفت: مقصود از عقل در روایات الکافی نیروی تشخیص و ادراک و وادارکننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شرّ و فساد است. مشابه این معنا در تعاریف متکلمان بغداد نیز وجود دارد. شیخ مفید در تعریف «عقل» می‌گوید:

عقل، معنایی است که با آن موارد استنباطی و دریافتی به وسیله معرفت و شناخت، تمییز داده می‌شود و به این دلیل عقل نامیده می‌شود که مانع از انجام امور ناپسند می‌شود.^۱

همچنین از دیدگاه شیخ طوسی عقل مجموع علوم است؛ به دلیل این که مانع بسیاری از امور ناپسند می‌شود.^۲ پس ادعای امیرمعزی در تفاوت معنای عقل در تشیع نخستین و مکتب متکلمان تأیید نمی‌شود.

۲-۲-۲. در روایت جنود عقل و جهل، مقصود از «آفریدن عقل» تقدیر و اندازه‌گیری^۳، و مراد از «نخستین مخلوق بودن عقل» اشاره به این است که هویت واقعی انسان، عقل اوست؛ نکته‌ای که در روایات دیگر نیز بدان تصریح شده است.^۴ «خلقت عقل از نور» اشاره به این است که کار اصلی عقل، روشننگری، واقع‌نمایی و قرار دادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته و رساندن به کمال

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، النکت فی مقدمات الأصول، ص ۲۲.

۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱/۲۰۰.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ۱۰۲/۱.

۴. محدث اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲/۲۰۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار،

۷/۷۵؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۶۶.

است. ^۱ مقصود از «فقال له: أدبر، فأدبر، ثم قال له: أقبل، فأقبل» امر و فرمان تکوینی است؛ یعنی خداوند عقل را قابل قرار می‌دهد برای این‌که وسیله و ابزاری باشد در جهت کسب دنیا و آخرت، نیک بختی و بدبختی و شناخت حقایق. ^۲ این معانی با روایات «العقل دليل المؤمن» ^۳، «دعامة الإنسان العقل، وهو دليله و مبصره و مفتاح أمره...» ^۴ و سایر روایات مشابه نیز تأیید می‌شود. ^۵ تفسیر دیگر این است که نیروی عقل، تسلیم محض حق است و اگر با جهل آمیخته نگردد، از حق تبعیت می‌کند. ^۶ بنابراین می‌توان گفت: برداشت امیرمعزی از روایت جنود عقل و جهل، برداشت صحیحی نبوده است.

۲-۲-۳. طبق اظهارات امیرمعزی، مقصود از «علم» در روایت «معرفة العلم بالعقل» ^۷، علم رازآشنایی امامان ^۸ است و طبق این معنا، شناخت علم حقیقی که توسط امامان تعلیم داده می‌شود، فقط توسط عقل ممکن است؛ و از اینجا نتیجه گرفته

۱. محمدی ری شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، ص ۳۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ۱۰۲/۱.

اقبال عقل، اقبال به عالم طبیعت، اجسام، مواد و عالم کثرت است و در همین عالم است که عقل در نازل‌ترین مرتبه خود قرار می‌گیرد و مردم آن را گاه در امور معاش و گاه در امور معاد خود به کار می‌گیرند. عقل نزول کرده همان عقلی است که گاه برای فراگیری علوم مختلف و به دست آوردن و حفظ تجربه‌ها از آن استفاده می‌شود: «العقل حفظ التجارب»؛ اما ادبار عقل، یعنی پشت کردن به این عالم و رجوع به سوی جایگاه اصلی آن، که همان عقل توحیدی و الهی است. از عقل به این سو افتاده به عقل اکتسابی، جزئی، بشری، دنیایی، و از عقل به آن سو نظر کرده به عقل آخرتی، الهی، کلی و خدادادی نیز تعبیر می‌کنند؛ ر.ک: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، ۴۰۳/۱.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۵۸/۱.

۴. همان، ۵۷/۱.

۵. همان.

۶. ر.ک: همان، ۲۵/۱؛ محمدی ری شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، ص ۳۶.

۷. روایت دوازدهم.

۸. چنانکه ذکر شد، مقصود امیرمعزی از علم رازآشنایی، عناصر کیهانی، باطنی (علم الهامی و نیروهای معجزه‌گر امامان) و سحرآمیز و جادویی است که به گفته وی، امامان به مریدان رازآشنا تعلیم می‌دادند.

است که عقل در آموزه‌های امامان، عقلی است که امور فراعقلانی را درمی‌یابد. و چون در مکتب بغداد، عقل به استدلال دیالکتیکی محدود شد، بنابراین روایاتی که مشتمل بر امور فراعقلانی بودند، طرد شدند. این در حالی است که تفسیر علم در این روایات به علم رازآشنایی، بدون ذکر هیچ‌گونه قرینه‌ای صورت گرفته است. برای فهم دقیق این عبارت لازم است عبارات پیشین نیز دیده شود:

یا هشام، نصب الحق لطاعة الله، ولا نجاة إلا بالطاعة، و الطاعة بالعلم، و العلم بالتعلم، و التعلم بالعقل يعتقد، و لا علم إلا من عالم رباني، و معرفة العلم بالعقل.

در بعضی نسخ الكافي «معرفة العالم» آمده است^۱، که صحیح‌تر به نظر می‌رسد.^۲ در این روایت، نجات و رستگاری، مرهون طاعت و پرستش، و طاعت خدا، مرهون «علم نافع» دانسته شده است. این علم توسط عالم ربانی دریافت می‌شود. بنابراین احتیاج علم به عقل، از دو جهت است: اول، شناخت عالمی که علم از او اخذ شود؛ و دوم، برای فهم آنچه عالم تعلیم می‌دهد و ممکن است این معنا را بدهد که عقل تشخیص‌دهنده علم یقینی است از علمی که با اوهام فاسد و دعاوی کاذب و ظن و جهل مرکب مشتبه شده است.^۳ بنابراین، مقصود از «علم» در اینجا علمی است که انسان را به طاعت خدا برساند، نه آنچه امیرمعزی ادعا کرده است.

بنابراین، پذیرش عقل استدلالی تعارضی با امور فراعقلی ندارد و سخنان امیرمعزی درباره مخالفت متکلمان بغداد نسبت به برخی روایات نقل شده از سوی محدثان قم، نه به دلیل باطن‌گرایی یا فراعقلانی بودن این عقاید، بلکه به دلیل اختلاف در مبنای پذیرش روایات و عدم حجیت خبر واحد نزد متکلمان بوده است. برای مثال ملاصدرا، فیلسوف بزرگ شیعی، با این‌که عقل استدلالی را باور دارد، بخش عمده‌ای از معارف باطنی موجود در روایات را می‌پذیرد.^۴ در حقیقت اینکه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، النص، ص ۳۸۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۵۹/۱.

۳. همان.

۴. ر.ک: ملاصدرا، شرح اصول الكافي.

محدثان قمی روایاتی را نقل کرده‌اند که از دیدگاه متکلمان بغداد خلاف عقل است، نمی‌توان نتیجه گرفت که این محدثان عقل استدلالی را قبول نداشتند؛ بلکه ممکن است آن‌ها تبیینی از موضوع داشته‌اند که این مطلب را عقلانی جلوه می‌داده است. تحلیل‌های این افراد از روایات و چینش منطقی و استدلالی احادیث، شاهد بر این مدعا است.^۱

۳. تحلیل محتوای کیفی روایات علم غیب و قدرت امام در کتاب بصائر الدرجات

در این بخش، ابتدا روایات علم غیب و قدرت امام در کتاب بصائر الدرجات در جدول تحلیل محتوا درج و ۵۸۹ مضمون از آن برداشت شد. سپس مضامین مورد دسته‌بندی قرار گرفت و موضوعات پیشنهادی جهت ساخت مقولات نهایی مطرح شد. به جهت رعایت اختصار، فقط قسمت‌هایی از جدول ذکر می‌شود:

روایت	مضامین	مفهوم	مفهوم	مقوله	کد
بصائر الدرجات، ص ۳۰۹	در نزد ائمه <small>علیهم‌السلام</small> قدرتی است که به وسیله آن مرده را به اذن خدا زنده می‌کند	قدرت امام در زنده کردن مردگان	قدرت امام بر کائنات	قدرت امام	۲۷
بصائر الدرجات، ص ۶۲۴	ائمه <small>علیهم‌السلام</small> با اجازه خداوند می‌توانند کور و پیس را شفا دهند	شفای بیماری‌های لاعلاج	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۳۴
بصائر الدرجات، ص ۵۹۲	امام علی <small>علیه‌السلام</small> با دست خویش به درخت خشکیده زدند و فرمودند به اذن خدا سرسبز و میوه‌دار شو شد، سپس درخت سبز و میوه‌های گلابی آن انبوه شد	میوه‌دار شدن درخت خشکیده با دستور امام علی <small>علیه‌السلام</small> به آن	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۱۷
بصائر الدرجات، ص ۸۹۴	امام علی <small>علیه‌السلام</small> با طی الارض نزد قوم موسی برای رفع اختلاف رفت و برگشت	قدرت امام در سیر روی زمین	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۱۶۳
بصائر الدرجات، ص ۹۱۶	دنیا نزد امام علی <small>علیه‌السلام</small> به صورت یک پوست گردو مجسم شد و چیزی از دنیا در نظر امام علی <small>علیه‌السلام</small> پوشیده نیست	دنیا تحت سلطه و احاطه امام علی <small>علیه‌السلام</small>	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۱۸۴

۱. ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی؛ ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید.

۳	قدرت امام	مستجاب الدعوه بودن	اجابت دعای امام	امام اگر دعا کند پذیرفته می شود	بصائر الدرجات، ص ۳۳۱
۱۳۶	قدرت امام	دیدار کردن امام با اموات	دیدار امام با اوصیای پیابران	اصحاب، امام علی <small>علیه السلام</small> را دیدند که با مردی محاسن سفید سخن می گوید حضرت فرمود او یوشع وصی موسی <small>علیه السلام</small> بود	بصائر الدرجات، ص ۶۵۲
۲۶۹	قدرت امام	امام شاهد اعمال انسانها	عرضه شدن کردار بندگان در هر پنجشنبه بر امام	اعمال بندگان در روز پنجشنبه بر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small> عرضه می شود	بصائر الدرجات، ص ۹۵۵
۲۳۶۲	علم غیب	-	علم غیب ذاتی نداشتن امام	ائمه <small>علیهم السلام</small> علم غیب ذاتی ندارند	بصائر الدرجات، ص ۷۳۸
۱۱۳۶	علم غیب	-	امام عالم به اخبار آسمانها و زمین	خداوند اخبار غیبی آسمان و زمین را در اختیار امام <small>علیه السلام</small> قرار داده است	بصائر الدرجات، ص ۳۲۹
۱۹۱۹	علم غیب	-	علم امام به اعمال و سخنان پنهانی افراد	علم غیب صادق <small>علیه السلام</small> از نقشه ابوجعفر دوانیقی برای فریب امام	بصائر الدرجات، ص ۵۷۴
۲۱۳۸	علم غیب	-	علم امام به حوادث روز و شب	ائمه <small>علیهم السلام</small> آنچه را در شب و روز اتفاق می افتد را می دانند	بصائر الدرجات، ص ۶۶۹
۱۱۸۱	علم غیب	-	علم امام به گذشته	علم گذشته نزد امام است	بصائر الدرجات، ص ۳۳۹
۱۰۴۶	علم غیب	-	علم امام به زمان مرگ و میرها	آگاهی از زمان مرگ و میرها نزد امام <small>علیه السلام</small> است	بصائر الدرجات، ص ۳۱۷
۱۱۵۶	علم غیب	-	علم امام به آینده	علم آنچه تا روز قیامت خواهد آمد در نزد امام <small>علیه السلام</small> است.	بصائر الدرجات، ص ۳۳۶
۹۴۸	علم غیب	-	علم امام به ملکوت آسمانها و زمین و مشاهده آنها	خداوند برای ابراهیم <small>علیه السلام</small> هفت آسمان و زمین را مکشوف کرد همچنین برای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>	بصائر الدرجات، ص ۲۹۶

۳-۱. تحلیل محتوای کیفی علم غیب امام

طبق روایات این قسمت، امامان علیهم‌السلام علم غیب ذاتی ندارند و خداوند اخبار غیبی آسمان‌ها و زمین را در اختیار امام علیهم‌السلام قرار داده است.^۲ امام، افکار درونی^۳ و سؤالات ذهنی افراد را می‌داند و پیش از پرسش، بدان پاسخ می‌دهد^۴؛ مانند پاسخ امام کاظم علیه‌السلام به سؤال علی بن یقطین پیش از این‌که نامه سؤال وی به امام برسد^۵ و علم غیب امام رضا علیه‌السلام از سؤال درونی محمد بن فضیل و فرستادن پاسخ سؤال برای وی.^۶

امام، عالم به امور پنهانی است^۷؛ مانند علم امام صادق علیه‌السلام به عدم طهارت ابوبصیر^۸، وجود سکه‌های قلبی در پول‌های فرستاده شده برای ایشان^۹، علم به بیرون آمدن چشمان هشام بن عبدالملک در قبر^{۱۰}، دانستن آنچه نزد اصحابشان است^{۱۱}، علم به اندوخته‌های مردم^{۱۲}، علم غیب امام علی علیه‌السلام به زنده بودن خالد بن عرفطه با وجود شایعه مرگ او^{۱۳}، علم امام کاظم علیه‌السلام به آورده شدن خرما می‌مسموم برای ایشان^{۱۴}، گناهان مخفیانه انسان‌ها^{۱۵}، حوادث شب و روز^{۱۶}، و علم به تمام

۱. ر.ک: صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، روایت ۱۱۶۸.

۲. همان، روایات: ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۰.

۳. همان، روایات: ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷

نمودار زیر رسم می‌شود:



۳-۲. تحلیل محتوای کیفی روایات نیروهای امام در کتاب بصائر الدرجات

مضامین قدرتِ امام در چهار مقوله دسته‌بندی می‌شود:

۳-۲-۱. مقوله تسلط و چیرگی امام بر کائنات

طبق این دسته از روایات، دنیا تحت سلطه و احاطه امام بوده و نزد ایشان به صورت یک دایره یا پوست گردو مجسم شده است.^۱ در این روایات تصریح شده

۱۰۹۵ و ۹۶۸، ۹۶۷، ۹۶۶، ۹۶۵، ۹۶۳، ۹۶۱، ۹۵۹

۱. همان، روایت ۱۴۴۹.

۲. همان، روایات: ۱۴۵۰، ۱۴۵۱ و ۱۴۵۲.

امام از هر جای دنیا آنچه را که بخواهد، برمی‌گیرد و از دست ایشان فاصله‌ای ندارد.^۱ امام قدرت بر زنده کردن مردگان داشته^۲ و مسلط بر زمین است. امام صاحب زمین بوده^۳ و زمام^۴، خزانه‌ها و کلیدهای آن^۵ در اختیار او است. امام قادر است با یک اشاره یا خراش دادن زمین، شمش طلا بیرون آورد^۶ و سنگریزه را به جواهر تبدیل کند.^۷ امام توانایی سیر روی زمین (طی الارض)^۸ دارد و قادر است دیگران را نیز سیر دهد؛ مانند این‌که امام جواد علیه السلام در یک شب مردی را از شام به کوفه و مکه و مدینه برد، سپس به جای اولش بازگرداند^۹؛ امام صادق علیه السلام یکی از اصحاب را با طی الارض به منزلش در عراق برد و برگرداند^{۱۰}؛ امام باقر علیه السلام در عرض سه ساعت، همراه جابر به پنج عالم سفر کرد.^{۱۱} بر اساس روایات، امام چشم بصیرت برخی از اصحاب را باز می‌کند. امام صادق علیه السلام در هنگام طواف، دست بر چشمان ابوبصیر گذاشتند و او حقیقت و باطن حاجیان را مشاهده کرد.^{۱۲} امام قدرت راه رفتن روی آب^{۱۳} و جابه‌جا کردن کوه‌ها^{۱۴} را دارد. بر اساس روایات،

۱. همان، روایت ۱۴۵.
۲. جهت مطالعه تحلیل فقه الحدیثی این روایات ر.ک: بهادرزاده، پروین و دیگران، «بررسی میزان صحت انتساب غلو در احادیث کتاب بصائر الدرجات»، پژوهشنامه کلام، ۱۳۳/۱۰-۱۴۵.
- همان، روایات: ۴۵۷، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰ و ۹۸۲.
۳. همان، روایت ۸۱۷.
۴. همان، روایات: ۱۴۴۷، ۱۳۴۴، ۱۴۴۴، ۱۴۴۸ و ۱۴۴۶.
۵. همان، روایات: ۱۳۴۰ و ۱۳۴۳.
۶. همان، روایات: ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴.
۷. همان، روایت ۱۳۴۲.
۸. همان، روایات: ۴۵۷، ۱۴۲۳، ۱۴۲۵، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۷.
۹. همان، روایت ۱۴۳۸.
۱۰. همان، روایت ۱۴۳۹.
۱۱. همان، روایت ۱۴۴۱.
۱۲. همان، روایات: ۹۷۲ و ۹۷۵.
۱۳. همان، روایت ۹۷۰.
۱۴. همان، روایت ۴۵۷.

امام مسلط بر آسمان است: ابرها برای امام حرکت می‌کنند^۱ و ایشان توانایی بازگرداندن خورشید با خواندن اسم اعظم خداوند را دارد.^۲ امام، شفابخش بیماری‌های لاعلاج است و کور و پیس^۳ و نابینا^۴ را شفا می‌دهد. موی سپید با عنایت امام سیاه شده^۵ و ورم دست^۶ و سفیدی بین دو چشم^۷ بهبود می‌یابد. روایات یادشده، تصرف امام در هستی و نفوس انسانی را بیان می‌کنند و نمونه‌هایی از آن دربارهٔ بعضی از پیامبران و اولیاءالله در قرآن مجید با صراحت آمده است.^۸ دلایل نقلی گوناگون نیز بیانگر امکان تحقق آن است.^۹ بنابراین توانایی امامان علیهم‌السلام بر تصرف در هستی، مظهریت آنان در صفات فعلی الهی است و غلّوی در آن صورت نگرفته است؛ یعنی بدان معنا نیست که خداوند از مقام ربوبی اش عزل شده و انسانی، قیمومیت جهان هستی را در اختیار خود می‌گیرد؛ بلکه مقصود این است که در هر زمانی یک انسان کامل، از نوعی تسلط بر جهان هستی و نظام حاکم بر آن برخوردار است، که می‌تواند در احوالات این عالم و پدیده‌های آن تصرف کند و چنین انسانی حجت خدا و رابطۀ میان عالم مادی و عالم ربوبی است.

طبق روایات، جنیان به محضر امام مشرف شده^{۱۰} و مسائل دینی را می‌آموزند^{۱۱} و

۱. همان، روایت ۱۴۵۴.
۲. همان، روایات: ۸۱۰، ۸۱۲ و ۸۱۳.
۳. همان، روایات: ۹۶۹ و ۹۷۰.
۴. همان، روایات: ۹۷۳ و ۹۷۶.
۵. همان، روایت ۹۷۱.
۶. همان، روایت ۱۲۲۵.
۷. همان، روایت ۹۷۴.
۸. آل عمران: ۴۹؛ ص: ۳۶-۳۸؛ قصص: ۲۸-۲۹؛ نمل: ۴۰.
۹. معجزاتی مانند: شق القمر (طوسی، محمد بن حسن، أمالی، ص ۳۵۱؛ سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، ص ۱۳۲)، حرکت درخت به سمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) و رد الشمس (ابن بابویه، محمد بن علی، أمالی، ص ۲۰۳).
۱۰. رک: صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، روایات: ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۰ و ۴۰۱.
۱۱. همان، روایات: ۳۹۸، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳ و ۴۰۵.

برخی از آن‌ها خدماتی؛ مانند رساندن نامهٔ امام به اصحاب^۱، انجام کارهای فوری امام^۲ و رساندن برخی اخبار به امام^۳ را انجام می‌دهند (آیاتی از قرآن به ولایت انبیا بر جتیان و عرضهٔ احکام الهی بر آن‌ها^۴ و خدمات جتیان برای انبیا اشاره کرده‌اند).^۵ بر اساس روایات، ملائکه یاری‌رسان امامان علیهم‌السلام هستند^۶ و برایشان ظاهر می‌شوند.^۷ منزل امام، محل رفت‌وآمد ملائکه الهی است.^۸ آن‌ها برای امام طعام آورده^۹، بر فرش‌های منزل امام نشسته و بر بالش‌ها تکیه می‌دهند^{۱۰}؛ هم‌چنانکه پره‌های ایشان بر منزل امام ریخته می‌شود^{۱۱} و نسبت به فرزندان امام مهربان هستند.^{۱۲} (طبق روایات، نسبت به برخی احادیث که قلب از پذیرش آن اکراه دارد، باید تصدیق اجمالی داشت و حقیقت را به خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارجاع داد و نسبت به نفی و اثباتش چیزی نگفت).^{۱۳} ملائکه در شب قدر بر امام نازل شده و مقدرات یک سال را، برایشان ابلاغ می‌کنند.^{۱۴} (آیاتی در قرآن بر تداوم نزول

۱. همان، روایات: ۳۹۲ و ۴۰۴.

۲. همان، روایات: ۳۹۲، ۳۹۹ و ۴۰۴.

۳. همان، روایت: ۳۹۴.

۴. رک: سورهٔ جن؛ أحقاف: ۳۰.

۵. نمل: ۱۷؛ همچنین رک: ص: ۳۷.

۶. همان، روایات: ۸۳۰ و ۱۵۷۶.

۷. همان، روایات: ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷ و ۳۹۰.

۸. همان، روایات: ۵۲، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۶۴، ۳۸۲، ۳۷۴، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۸۹، ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲.

۹. همان، روایات: ۳۸۴ و ۳۸۸.

۱۰. همان، روایات: ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷ و ۳۸۸.

۱۱. همان، روایات: ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱ و ۳۸۷.

۱۲. همان، روایات: ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۴ و ۳۸۸.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار/۲، ۱۸۹/۲، ح ۲۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۰/۱.

۱۴. همان، روایات: ۳۸۹، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷ و ۸۲۸.

فرشته وحی بر مؤمنان راستین بعد از ختم نبوت پیامبر ﷺ دلالت دارند.^۱

طبق بیان روایات، جمادات مطیع اوامر امام هستند: درخت ام غیلان به دستور امام حرکت کرده^۲ و درخت خشکیده با دستور ایشان میوه‌دار می‌شود.^۳ چشمه آب با دستور امام در بیابانی خشک می‌جوشد.^۴ امام زبان جمادات را نیز می‌داند.^۵ (آیاتی از قرآن بر معجزات و کراماتی مشابه این روایات، برای انبیا و صالحان دلالت دارد).^۶

بر پایه روایات، امام با حیوانات سخن گفته و به حاجات آن‌ها پاسخ می‌دهد؛^۷ مانند آگاهی امام صادق علیه السلام از زبان گنجشک‌ها که تسبیح خدا می‌گفتند و طلب روزی می‌کردند^۸، و سخن گفتن امام سجاد علیه السلام با آهوی ماده به زبان خودش و درخواست از صیاد برای آزاد کردن بره‌اش.^۹ (برخی آیات قرآن حکایت از تسلط حضرت سلیمان علیه السلام بر برخی حیوانات و سخن گفتن با آن‌ها دارد).^{۱۰}

۲-۲-۳. مقوله مستجاب الدعوه بودن امام

بر اساس روایات این دسته، امام مستجاب الدعوه است^{۱۱} و ائمه علیهم السلام کسانی هستند که خداوند درباره آن‌ها فرمود: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^{۱۲}. اگر امام

۱. غافر: ۱۵؛ قدر: ۴؛ فصلت: ۳۰.

۲. همان، روایت ۹۱۶.

۳. همان، روایات: ۹۱۳، ۹۱۵ و ۹۲۱.

۴. همان، روایت ۱۸۳۲.

۵. همان، روایات: ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹.

۶. آل عمران: ۴۹؛ ص: ۳۶-۳۸؛ قصص: ۲۸-۲۹؛ نمل: ۴۰؛ مریم: ۲۴؛ اعراف: ۱۶۰.

۷. همان، روایات: ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۸، ۱۲۴۳، ۱۲۴۶، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۷، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۴۵۱۲، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۵۱، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۷۰ و ۱۲۷۱.

۸. همان، روایت ۱۲۵۲.

۹. همان، روایات: ۱۲۶۷ و ۱۲۶۸.

۱۰. نمل: ۱۶ و ۱۸-۲۷.

۱۱. همان، روایت ۴۹۰.

۱۲. همان، روایت ۱۶۵۵.

درباره مصائبی که از افراد ستمگر به ایشان برسد دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب و قدرت ستمگران را نابود می‌کند؛^۱ همان طور که به دعای امام صادق علیه السلام دشمن ایشان به درک واصل شد؛^۲ همچنین طبق روایات، با دعای امام حسن علیه السلام و امام باقر علیه السلام نخل خشکیده میوه داد.^۳

پس از دسته‌بندی مضامین مرتبط با تسلط و چیرگی امام بر کائنات و مستجاب‌الدعوه بودن امام، نمودار زیر رسم می‌شود:



۱. همان، روایت ۴۸۹.

۲. همان، روایت ۸۱۱.

۳. همان، روایات: ۹۱۲ و ۹۲۰.



۳-۲-۳. مقوله دیدار کردن امام با اموات

بر اساس این دسته از روایات، امام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان دیدار می‌کند.^۱ امام علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان دیدار کرده و بنا بر دستور

۱. همان، روایات: ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۶ و ۹۹۹.

پیامبر ﷺ از ایشان سؤال پرسیده است.^۱ حضرت فرمودند: «بعد از وفاتم مرا غسل بده، کفن کن، سپس دست بر سینه‌ام بگذار و هرچه خواهی سؤال کن که تو را پاسخ دهم.»^۲ طبق روایاتی دیگر، امام با امامان پیشین، بعد از شهادتشان، ملاقات می‌کند.^۳ ایشان با شیعیان از دنیا رفته^۴ و اوصیای پیامبران دیدار می‌کند.^۵ امام همچنین دشمنان از دنیا رفته را رؤیت نموده و عذاب ایشان را مشاهده می‌کند؛ مانند مشاهده عذاب معاویه و قاییل در بیابان توسط امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام.^۶ (این دیدار با پیکرهای مثالی است یا روح آن‌ها مجسم می‌شود و استبعادی ندارد که اجساد اصلی ایشان باشد. برای متدین مسلمان ایمان اجمالی در این امور کافی است؛ چون خبر از ائمه علیهم‌السلام رسیده و تفصیل آن را باید به خود ایشان واگذار کرد.)^۷

۴-۲-۳. مقوله امام؛ شاهد اعمال انسان‌ها

بر اساس روایات این دسته، اعمال بندگان هم در این دنیا^۸ و هم بعد از مرگ^۹، بر امام عرضه می‌شود. این عرضه شدن در هر پنج‌شنبه^{۱۰} یا هر شبانه‌روز^{۱۱} انجام می‌شود. طبق روایات، وقتی امام علیه‌السلام متولد می‌شود مناره‌ای از نور برایش بلند

۱. همان، روایت ۱۰۰۲.
۲. همان، روایات: ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱.
۳. همان، روایات: ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۹۰، ۸۳۰ و ۱۰۰۰.
۴. همان، روایت ۹۸۶.
۵. همان، روایات: ۹۹۸ و ۱۰۰۱.
۶. همان، روایات: ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۳ و ۱۸۱۴.
۷. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۰۷/۲۷.
۸. همان، روایات: ۱۵۱۵، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰ و ۱۵۴۳.
۹. همان، روایات: ۱۵۳۰ و ۱۵۳۲.
۱۰. همان، روایات: ۱۵۰۶، ۱۵۱۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۴، ۱۵۳۱، ۱۵۳۶، ۱۵۴۱ و ۱۵۴۲.
۱۱. همان، روایات: ۱۵۳۵، ۱۵۴۴ و ۱۸۴۱.

می‌شود که به وسیله آن، باطن مردم را فهمیده و اعمال بندگان را می‌بیند^۱ و طبق برخی دیگر، بلند شدن عمود نور و اشراف بر اهل زمین، زمانی است که امام علیه السلام شروع به سخن گفتن کند^۲، یا وقتی که امام علیه السلام به امر امامت قیام نماید.^۳ (منظور از عمود نور یا واقعی است و خداوند برای امام نوری می‌آفریند که در آن نور، اعمال مردم را می‌بیند یا کنایه از روح القدس یا ملک دیگری است که اخبار را به امام می‌رساند یا کنایه از الهام‌های الهی است.^۴ شاهد قرآنی رؤیت اعمال توسط امام، آیه «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۵ است.)

پس از دسته‌بندی مضامین مرتبط با دیدار امام با اموات و شهود اعمال انسان‌ها، نمودار زیر رسم می‌شود:



۱. همان، روایات: ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۴، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۵ و ۱۵۷۹.

۲. همان، روایات: ۱۵۴۶ و ۱۵۴۷.

۳. همان، روایات: ۱۵۶۲، ۱۵۶۳ و ۱۵۶۴.

۴. رک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۴۰/۲۵.

۵. توبه: ۱۰۵.

۴. تحلیل محتوای روایات علم غیب و قدرت امام در کتاب الإرشاد

در این بخش ابتدا روایات علم غیب و نیروهای امام کتاب الإرشاد در جدول تحلیل محتوا درج و ۱۳۵ مضمون از آن برداشت شد. سپس مضامین دسته‌بندی شد و در مقولاتی قرار گرفت. قسمتی از این جدول که مبنای مطالعات صورت گرفته در مقاله حاضر است، بدین شرح می‌باشد:

روایت	مضامین	مفهوم	مفهوم	مقوله	کد
الإرشاد، ج ۱، ص ۲۲۴	کنده شدن درخت از زمین و حرکت کردن آن به دستور امام کاظم <small>علیه السلام</small> برای اثبات حقانیت ایشان	اطاعت جمادات از امام	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۲۴۲
الإرشاد، ج ۱، ص ۳۳۵	وقتی امام حسن عسگری <small>علیه السلام</small> را در سید حیوانات درنده انداختند حضرت به نماز ایستادند و آنها دور حضرت حلقه زدند	تسلط امام بر حیوانات	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۳۱۳
الإرشاد، ج ۱، ص ۲۵۸	ابراهیم بن موسی از فقر خود به امام رضا <small>علیه السلام</small> شکایت کرد حضرت زمین را با تازیانه خراش دادند و شمشیری بیرون آوردند و به وی دادند	خزائن زمین تحت اختیار امام	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۲۵۸
الإرشاد، ج ۱، ص ۳۱۹	امام حسن عسگری <small>علیه السلام</small> برای رفع نیاز فردی که از ایشان طلب کمک نموده بود تازیانه‌شان را به زمین زدند و شمشیری طلا بیرون آوردند و به وی دادند	خزائن زمین تحت اختیار امام	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۲۶۴
الإرشاد، ج ۱، ص ۲۹۱	امام <small>علیه السلام</small> قدرت طی الأرض دارد	قدرت امام در سیر روی زمین	تسلط امام بر کائنات	قدرت امام	۲۶۷
الإرشاد، ج ۱، ص ۳۵۳	مردی که می‌خواست فضایل امام علی <small>علیه السلام</small> را بری خود برشمارد به دعای حضرت به دردی بد مبتلا شد	اجابت نفرین اما در باره مخالفان و دشمنان	مستجاب الدعوه بودن	قدرت امام	۱۵۸

۳۰۶	قدرت امام	مستجاب الدعوه بودن	اجابت دعای امام در شفای بیماران	دعای امام حسن <small>علیه السلام</small> سبب شفای بیمار شد	الإرشاد، ج ۱، ص ۳۳۱
۴۰	علم غیب امام	-	علم به وقایع آینده	امام <small>علیه السلام</small> عالم با وقایع آینده (آنچه تا روز قیامت خواهد شد) است.	الإرشاد، ج ۱، ص ۳۵
۲۴۸	علم غیب امام	-	علم به وقایع آینده	علم غیب امام کاظم <small>علیه السلام</small> از حوادث آینده و برگرداندن هدیه علی بن یقطين برای حفظ جان وی	الإرشاد، ج ۱، ص ۲۲۷
۲۸۳	علم غیب امام	-	علم امام به زمان مرگ و میرها	علم امام هادی <small>علیه السلام</small> به زمان مرگ یکی از اصحاب و فرستادن کفن برای وی	الإرشاد، ج ۲، ص ۳۰۶
۲۹۲	علم غیب امام	-	علم به افکار واحالات باطنی افراد	امام <small>علیه السلام</small> از آنچه در دل‌های افراد است باخبر است	الإرشاد، ج ۲، ص ۲۹۲
۱۲۹	علم غیب امام	-	علم امام <small>علیه السلام</small> به نحوه شهادت یاران خویش	علم امام علی <small>علیه السلام</small> به کشته شدن جویریة و قطع دست و پایش توسط زیاد بن ابیه (در زمان معاویه) و آویزان شدن وی از نخل خرمان	الإرشاد، ج ۲، ص ۳۲۳
۲۳۴	علم غیب امام	-	علم به وقایع گذشته	امام صادق <small>علیه السلام</small> به مرد شامی که برای مناظره خدمت ایشان رسیده بود از جریاناتی که در سفر برای وی رخ داده بود خبر داد.	الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۹

۴-۱. تحلیل محتوای کیفی روایات علم غیب امام در کتاب الإرشاد

بر اساس روایات این حوزه، امام عالم به وقایع آینده است؛^۱ مانند علم امام علی علیه السلام به سلطنت معاویه بعد از خود^۲، علم به جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین^۳، نابودی

۱. ر.ک: شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ص ۳۵، ۳۲۲، ۳۲۷، ۱۸۶، ۳۳۲، ۲۲۵، ۲۵۸، ۲۶۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۶ و ۳۶۷.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۳۱۵ و ۲۴۷.

بنی امیه و استقرار حکومت بنی عباس^۱، پیوستن اوئیس قرنی به سپاه حضرت در جنگ صفین^۲، افتادن حکومت کوفه به دست زمامدارانی که مردم را شکنجه دهند^۳، علم به آمدن صاحب یمین و گرفتن فرمانداران اهل کوفه^۴، علم به سرداری خالد بن عرفط برای لشکر عمر بن سعد در کربلا^۵، علم به شهادت امام حسین علیه السلام توسط عمر بن سعد و خبر دادن آن به پدرش سعد^۶، علم به تعداد بیعت کنندگان با حضرت در منزل ذی قار^۷، علم امام حسین علیه السلام از نحوه شهادت خویش توسط عمر بن سعد^۸ و کشته شدن وی اندکی بعد از شهادت امام^۹، علم امام صادق علیه السلام در به خلافت رسیدن ابوالعباس سفاح و برادرانش^{۱۰}، علم امام کاظم علیه السلام از حوادث آینده و برگرداندن هدیة علی بن یقطین^{۱۱} و دستور وضو گرفتن به روش اهل سنت برای حفظ جان وی^{۱۲}، علم امام رضا علیه السلام به عدم شهادتشان توسط هارون الرشید^{۱۳} و قرار گرفتن مرقد مطهرشان در کنار قبر وی^{۱۴}، علم به ساخته شدن ساختمانی در کوه «فارع»^{۱۵} توسط جعفر مکی و در نهایت

۱. همان، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۳۱۶.

۳. همان، ص ۳۲۲.

۴. همان، ص ۳۲۲.

۵. همان، ص ۳۳۰.

۶. همان، ص ۳۳۱.

۷. همان، ص ۳۱۵.

۸. همان، ص ۱۳۲.

۹. همان، ص ۱۳۲.

۱۰. همان، ص ۱۹۳.

۱۱. همان، ص ۲۲۷.

۱۲. همان، ص ۲۳۰.

۱۳. همان، ص ۲۵۵.

۱۴. همان، ص ۲۵۸.

۱۵. کوهی حد فاصل مکه و مدینه.

کشته شدن وی^۱، علم به توطئه قتل فضل بن حسن^۲، علم امام هادی علیه السلام به مردن واثق عباسی و خلیفه شدن متوکل^۳، علم امام حسن عسکری علیه السلام از غلبه و پیروزی خاندان جعفر بر کسانی که به ایشان حمله کرده بودند^۴، و علم ایشان از زمان آزاد شدن ابوهاشم جعفری^۵.

طبق روایات، امام، زمان مرگ افراد را می‌داند^۶؛ مانند علم امام هادی علیه السلام به زمان مرگ یکی از اصحاب و فرستادن کفن برای وی^۷ و علم امام حسن عسکری علیه السلام از زمان مردن مهدی عباسی^۸.

امام از زمان شهادت خویش آگاه بوده و قاتل خود را می‌شناسد^۹؛ مانند علم امام علی علیه السلام به شهادت خویش توسط ابن ملجم مرادی^{۱۰} و خضاب شدن محاسنشان با خون سر^{۱۱}.

امام از نحوه شهادت یاران خویش آگاه است؛ مانند علم امام علی علیه السلام به کشته شدن جویرییه و قطع دست و پایش توسط زیاد بن ابیه و آویزان شدن وی از نخل خرما^{۱۲}، علم به شهادت میثم تمار و نشان دادن درختی که روی آن به دار آویخته می‌شود^{۱۳}،

۱. همان، ص ۲۵۷.

۲. همان، ص ۲۶۷.

۳. همان، ص ۳۰۱.

۴. همان، ص ۳۲۹.

۵. همان، ص ۳۳۰.

۶. همان، ص ۳۳۳، ۳۰۵ و ۳۰۶.

۷. همان، ص ۳۰۶.

۸. همان، ص ۳۳۳.

۹. همان، ص ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۳۲۱.

۱۰. همان، ص ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴.

۱۱. همان، ص ۳۲۰.

۱۲. همان، ص ۳۲۳.

۱۳. همان، ص ۳۲۵.

علم به شهادت رشید هجری و جدا شدن دست و پای وی^۱، علم به شهادت مززع بن عبدالله و به دار آویخته شدن او در کنگره‌های مسجد^۲ و علم به شهادت قنبر به دست حجاج بن یوسف.^۳

بر اساس روایات، امام وقایع گذشته را می‌داند^۴؛ مانند خبر دادن امام صادق علیه السلام از اتفاق‌هایی که در سفر، برای مرد شامی رخ داده بود^۵ و علم امام مجتبی علیه السلام به دزدیده شدن مال شخصی که آن را زیر خاک پنهان کرده بود.^۶

بر حسب روایات دیگر، امام، افکار و احوالات باطنی انسان‌ها را می‌داند^۷؛ مانند علم امام علی علیه السلام به دروغ‌گویی طلحه و زبیر از رفتن به مکه^۸، علم غیب امام صادق علیه السلام به عدم طهارت ابوصیر^۹، علم امام جواد علیه السلام به افکار شخصی که از امامت ایشان در خردسالی متعجب بود و پاسخ دادن به وی^{۱۰}، علم امام حسن علیه السلام از احوال ابوهاشم جعفری و فرستادن صد دینار برای او که از درخواست مالی از امام شرم داشت^{۱۱}، و علم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به افراد و احوالات درونی ایشان.^{۱۲} امام، همچنین عالم به گروه‌های حق و باطل و رؤسای آن‌هاست.^{۱۳}

۱. همان، ص ۳۲۶.
۲. همان، ص ۳۲۷.
۳. همان، ص ۳۲۹.
۴. همان، ص ۱۹۹ و ۳۳۳.
۵. همان، ص ۱۸۶.
۶. همان، ص ۳۳۲.
۷. همان، ص ۳۱۹، ۲۹۴، ۲۹۲، ۳۳۱ و ۳۳۳.
۸. همان، ص ۳۱۵.
۹. همان، ص ۱۸۶.
۱۰. همان، ص ۲۹۳.
۱۱. همان، ص ۳۳۰.
۱۲. همان، ص ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۷ و ۳۵۹.
۱۳. همان، ص ۳۵ و ۳۳۱.

پس از دسته‌بندی مضامین مرتبط با علم غیب امام، نمودار زیر رسم می‌شود:



۴-۲. تحلیل محتوای کیفی روایات قدرت امام در کتاب الإرشاد

مضامین قدرت امام در کتاب الإرشاد در دو مقوله دسته‌بندی می‌شود:

۴-۲-۱. مقوله تسلط و چیرگی امام بر کائنات

طبق روایات، خزائن زمین تحت اختیار امام است؛ مانند این‌که امام رضا علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام برای رفع نیاز افرادی که از ایشان طلب کمک کرده بودند، زمین را با تازیانه خراش دادند و شمشیر بیرون آوردند و به ایشان دادند؛ یا این‌که با اشاره دست امام هادی علیه السلام بوستان‌ها و نه‌رهایی ظاهر شدند و فرمودند: «ما هر کجا باشیم این نعمت‌ها برای ما مهیا است»^۱؛ و بارور شدن درخت سدر به سبب ریخته شدن آب وضوی امام جواد علیه السلام بر آن.^۲

بر اساس روایات، امام قدرت سیر روی زمین دارد؛ مانند این‌که امام جواد علیه السلام در یک شب مردی از اهالی شام را با طی الارض از منطقه شام به مسجد کوفه و مسجد پیامبر ﷺ در مدینه برد و به مکان خود بازگرداند.^۳ بر پایه

۱. همان، ص ۲۵۸ و ۳۲۹.

۲. همان، ص ۳۱۱.

۳. همان، ص ۲۸۹.

۴. همان، ص ۲۸۹ و ۲۹۱.

روایات، برگشتن خورشید برای امام علی علیه السلام به دعای ایشان، یک بار در زمان زنده بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بار دیگر پس از وفات ایشان، صورت گرفته است.^۱

طبق روایات، جمادات مطیع دستورات امام هستند؛ مانند کنده شدن درخت از زمین و حرکت کردن آن به دستور امام کاظم علیه السلام برای اثبات حقانیت ایشان.^۲ بر اساس روایات، امام زبان هر جانداری را به خوبی می‌داند^۳ و با آن‌ها سخن گفته و به حاجاتشان پاسخ می‌دهد؛ مانند سخن گفتن ماهیان شط فرات در کوفه با امام علی علیه السلام^۴ و سخن گفتن امام موسی کاظم علیه السلام با شیر درنده که از ایشان درخواست کرده بود برای جفتش که داشت فرزندى به دنیا می‌آورد، دعا کند.^۵ حیوانات وحشی در مقابل امام رام می‌شوند؛^۶ مانند رام شدن استر وحشی در مقابل امام حسن عسکری علیه السلام و عرق کردن استرانگاه که حضرت در مقابلش ایستاده بود^۷ و حلقه زدن حیوانات وحشی دور حضرت، وقتی ایشان را در سبد حیوانات درنده انداختند.^۸

بر پایه روایات، جتیان با امام در ارتباط هستند؛ چنانکه یکی از حکمرانان ایشان به صورت ازدهایی بر منبر امام علی علیه السلام ظاهر شد و برای پرسیدن حکمی با حضرت سخن گفت و بعد از پاسخ امام علیه السلام، به سرعت در زمین فرورفت و ناپدید شد.^۹

۱. همان، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۲. همان، ص ۲۲۴.

۳. همان، ص ۲۲۵ و ۲۳۰.

۴. همان، ص ۳۴۸.

۵. همان، ص ۲۳۰.

۶. همان، ص ۲۳۰.

۷. همان، ص ۳۲۸.

۸. همان، ص ۳۳۵.

۹. همان، ص ۳۴۹.

۲-۲-۴. مقوله مستجاب الدعوه بودن امام

بر اساس روایات، امام مستجاب الدعوه است و دعاهاى او در حق خود و دیگران پذیرفته می شود؛ مانند بازگردانده شدن مال یکی از اصحاب امام هادی علیه السلام به دعای ایشان^۱، اجابت دعای امام هادی علیه السلام در فراهم نشدن ملاقات متوکل و برادر امام علیه السلام که متوکل برای بدنام کردن حضرت، او را به سامرا آورده بود^۲، اجابت دعای امام جواد علیه السلام درباره یکی از اصحاب که علاقه بسیاری به خوردن گل داشت و به دعای حضرت آن علاقه از بین رفت^۳، شفای بیماران لاعلاج با دعای امام حسن علیه السلام و امام عصر علیه السلام.^۴

طبق روایات، نفرین امام درباره مخالفان و دشمنان مستجاب می شود؛ مانند کور شدن مردی با دعای امام علی علیه السلام، که اخبار امام را برای معاویه می برد^۵، اجابت نفرین امام علی علیه السلام و مبتلا شدن انس بن مالک به مرض پیسی و نابینا شدن زید بن ارقم به علت گواهی ندادن به ولایت حضرت و تظاهر به فراموشی واقعه غدیر خم^۶، اجابت نفرین امام حسین علیه السلام درباره مردی که آب را بر امام علیه السلام بست و بعد از واقعه کربلا به نوعی بیماری مبتلا شد که آب را برمی گرداند و هرگز سیراب نشد^۷، با دعای امام صادق علیه السلام مردی که به امام علیه السلام دروغ بسته بود که قصد قیام علیه منصور را دارد، به زمین افتاد و مُرد^۸، و نیز با دعای حضرت علیه السلام، فرماندار مدینه که غلام امام علیه السلام را کشته و مالش را گرفته بود، تا صبح به درک

۱. همان، ص ۳۰۵.

۲. همان، ص ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۹۴.

۴. همان، ص ۳۳۱ و ۳۵۸.

۵. همان، ص ۳۵۱.

۶. همان، ص ۳۵۲.

۷. همان، ص ۸۷.

۸. همان، ص ۱۸۴.

واصل شد، اجابت نفرین امام هادی علیه السلام درباره یکی از افسران خلیفه که بر امام علیه السلام سخت گیری می نمود^۲؛ همچنین مردی که می خواست فضایل امام علی علیه السلام را برای خود برشمارد، به دعای حضرت علیه السلام به درد بدی مبتلا شد.^۳ پس از دسته بندی مضامین مرتبط با قدرت امام، نمودار زیر رسم می شود:



۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۳۰۶.

۳. همان، ص ۳۵۳.

۵. تحلیل و مقایسه علم غیب و قدرت امام در بصائر الدرجات و الإرشاد

مکتب قم	مکتب بغداد	قدرت امام	
		تعداد مضامین بصائر الدرجات	تعداد مضامین الإرشاد
۴۶	-	امام شاهد اعمال انسانها	
۳۴	-	دیدار کردن امام با اموات	
۶	۱۳	مستجاب الدعوه بودن امام	
۸	۱	ولایت بر جمادات	تسلط و چیرگی بر کائنات
۲۱	۱	ولایت بر جنیان	
۴۴	۵	ولایت بر حیوانات	
۸۵	-	ولایت بر ملائکه	
-	-	نیروهای غیبی تحت اختیار امام	
۴۵	۲	تسلط بر زمین و آسمان	
۷	-	شفای بیماری های لاعلاج	
-	۵	خزائن زمین تحت اختیار امام	
۷	-	قدرت زنده کردن مردگان	
۵	-	دنیا تحت سلطه و احاطه امام	
-	-	سخن گفتن با مردگان درون قبرها	
-	-	گشایش درهای آسمان بر امام	

در جدول زیر، فراوانی مضامین علم غیب و قدرت امام در دو کتاب بصائر الدرجات و الإرشاد درج شده است:

مکتب قم	مکتب بغداد	علم غیب امام
تعداد مضامین بصائر الدرجات	تعداد مضامین الإرشاد	
۳۷	۴۰	علم به آینده
۴۲	۵	علم به زمان مرگ و میرها
۱۵	۲۲	علم به امور پنهانی
۱۹	۴	علم به گذشته
۲۰	۱۵	علم به افکار درونی افراد
۱۱	۲	علم به هر گروه حق و باطل و رهبران شان
۱۰	۱۵	علم به زمان شهادت خویش
-	۵	علم به نحوه شهادت یاران خویش
-	-	علم سلسله اسباب
-	-	علم به خواب افراد
۴۱	-	علم به حقیقت و باطن انسانها
۲۶	-	علم به زمان بلاها
۲۲	-	علم به بهشت و جهنم و ساکنان آنها
۱۶	-	علم به ملکوت آسمانها و زمین
۱۳	-	علم به سوالات ذهنی افراد و پاسخ به آنها
۱۲	-	علم به اعمال و سخنان پنهانی افراد
۱۱	-	علم به اخبار آسمانها و زمین
۷	-	علم به همه مناطق و مکانها و وقایع آنها

طبق جدول فوق، مشخص شد شیخ مفید؛ همانند صفار قمی، علم غیب امام را پذیرفته و روایات بسیاری را در این حوزه ذکر کرده است؛ به طوری که در الإرشاد، ۸۷ درصد روایات گستره علم امام در حوزه علم غیب ایشان است.^۱ علم

۱. باید توجه داشت که حجم زیاد روایات علم غیب امام، بر لطف خداوند بر بندگان دلالت دارد تا به این سبب به امامان علیهم السلام تمسک کرده و از آنها پیروی کنند. ر.ک: مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۶۷.

به گذشته و آینده، زمان مرگ و میرها، امور پنهانی، افکار درونی افراد، گروه‌های حق و باطل و رهبرانشان و علم به زمان شهادت خویش، از جمله موارد مشترک در دو کتاب است. در حقیقت آگاهی از غیب نزد متکلمان بغداد، در اموری که ولایت و حکومتشان اقتضا می‌کرده، واجب و لازم بوده، آن را از صفات امام شمرده‌اند.^۱ از نظر ایشان آگاهی امامان علیهم‌السلام از سایر امور، ضرورت عقلی نداشته^۲ و اگر طبق روایات صحیح، آگاهی از غیب در امور دیگر برای ایشان ثابت گشته، گرامی داشت منزلت امام و لطف و کرامت خداوند نسبت به امام است.^۳

در حوزه قدرت ماورائی امام نیز مقولات تسلط بر آسمان و زمین و خزائن آن، مستجاب‌الدعوه بودن امام، ولایت بر جمادات، جتیان و حیوانات در دو کتاب مطرح شده است؛ با این تفاوت که در الإرشاد نسبت به بصائر الدرجات، روایات کمتری ذکر شده است. که علت آن تغییر در مبنای پذیرش احادیث و عدم حجیت خبر واحد در میان متکلمان بوده است. از نظر شیخ مفید، ظهور معجزه توسط امام امکان وقوعی دارد، اما به لحاظ عقلی واجب یا ممتنع نیست. و ملاک اعتقاد در این مسائل، نصوص قرآنی و روایی هستند. به باور شیخ مفید، روایت‌هایی دربارهٔ اعجاز ائمه علیهم‌السلام وجود دارد که سبب یقین وی شده است.^۴ علاوه بر شیخ مفید، غالب متکلمان بغداد نیز موافق اعجاز و قدرت‌های خاص امامان علیهم‌السلام هستند و آن را به عنوان دلیل امامت و راهی برای شناخت امام می‌دانند.^۵ ابوصلاح حلبی نسبت به سایر متکلمان، روایت‌های

۱. شریف مرتضی، الشافی فی الامامة، ۱۶۴/۳؛ ۲۶/۲ و ۳۰؛ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ص ۱۹۲-۱۹۳.
۲. شیخ مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ص ۶۸.
۳. شریف مرتضی، جوابات المسائل الطرابلسیات الثالثة، ص ۳۹۴؛ کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، ص ۱۱۲.
۴. شیخ مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ص ۶۹.
۵. طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، ۱۴۳/۱؛ شریف مرتضی، الذخیره فی علم الکلام،

بیشتری از اعجاز امامان علیهم‌السلام نقل کرده است^۱ و آن‌ها را متواتر می‌داند. به نظر وی، معجزه تصدیق فعلی خداوند است و اشکالی در تحقق آن به دست امام نیست و مصادیق آن از طریق نقل روشن می‌شود.^۲ بنابراین مشخص شد بسیاری از معارف باطنی در کتب حدیثی مکتب بغداد نیز پذیرفته شده است.^۳

نتیجه‌گیری

با تحلیل محتوای روایات علم و قدرت امام در دو کتاب مکتب قم و بغداد؛ یعنی بصائر الدرجات و الإرشاد، و بررسی نظریات کلامی متکلمان بغداد مشخص شد این مکتب نیز؛ همانند مکتب قم، علم غیب و برخی قدرت‌های امام را پذیرفته و روایات بسیاری را در این حوزه ذکر کرده است. علم به گذشته و آینده، زمان مرگ و میرها، امور پنهانی، افکار درونی افراد، گروه‌های حق و باطل و رهبرانشان، علم به زمان شهادت خویش، تسلط بر آسمان و زمین و خزائن آن، مستجاب الدعوه بودن امام، ولایت بر جمادات، جنیان و حیوانات از جمله موارد مشترک در دو مکتب است؛ با این تفاوت که در الإرشاد نسبت به بصائر الدرجات، روایات کمتری ذکر شده است که علت آن تغییر در مبنای پذیرش احادیث و عدم حجیت خبر واحد در میان متکلمان بوده است.

به طور کلی می‌توان گفت در بصائر الدرجات و منابع نخستین حدیثی شیعه،

ص ۳۳۲-۳۳۳؛ کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، ۲۴۵/۱.

۱. حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، ص ۱۷۵-۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. علاوه بر کتاب الإرشاد در کتاب الأمالی شیخ طوسی نیز روایات بسیاری در حوزه علم غیب و قدرت ماورائی امام ذکر شده است:

روایات علم غیب؛ ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۲۱، ۱۱۴، ۴۱۱، ۵۸، ۲۰۰، ۱۶۶، ۲۰۵، ۲۲۱، ۶۲۷، ۴۱۳، ۴۲۶، ۶۹۳ و ۵۵.

روایات قدرت امام؛ ر.ک: همان، ص ۵۵، ۲۰۰، ۲۹۸، ۵۵۰، ۱۰۵، ۱۸۹، ۲۰۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱ و ۵۵۴ و ۲۸۳.

هم تشیع عقل‌گرا و هم تشیع باطنی، بدون افراط و تفریط، ریشه دارد. باطنی‌گری افراطی، مورد لعن و نفرین امامان علیهم‌السلام قرار گرفته و از سوی دیگر، پرداختن به شریعت بدون این‌که چیزی از تعالیم معنوی داشته باشد، مورد نفی ائمه علیهم‌السلام است.^۱ بنابراین هرچند در بین تعالیم امامان معارفی باطنی وجود دارد، ولی نمی‌توان اندیشه‌های غالیان را همان تعالیم حقیقی امامان علیهم‌السلام دانست. با مقایسه دیدگاه‌های غالیان با معارفی که از سوی بزرگانی؛ چون مفضل بن عمر، جابر بن یزید و امثال ایشان نقل شده است، می‌توان این تفاوت ماهوی را دریافت. در حقیقت یکی انگاشتن این دو، مستلزم انکار شواهد بسیاری است که در همان منابعی ذکر شده است که امیرمعزی آن‌ها را منابع تشیع نخستین می‌نامد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم: دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- امیرمعزی، محمد علی، تشیع ریشه‌ها و باورهای عرفانی، ترجمه: نورالدین الله دینی، چاپ دوم: نامک، تهران، ۱۳۹۳ ش.
- امیرمعزی، محمد علی، راهنمای ربانی در تشیع نخستین، ترجمه: نورالدین الله دینی، چاپ اول: نامک، تهران، ۱۳۹۸ ش.
- باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، چاپ اول: دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- بحرانی، میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، چاپ دوم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۶ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم: دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

۱. رک: صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، روایات: ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷.

- جباری، محمدرضا، مکتب حدیثی قم، زائر، قم، ۱۳۸۴ ش.
- حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، چاپ اول: الهادی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- خمینی، روح الله، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، چاپ اول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۹۲ ش.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شریف مرتضی، جوابات المسائل، الطرابلسیات الثالثة، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ ق.
- شریف مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- عزتی، مرتضی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، چاپ دوم: هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، چاپ اول: اسلامیه، تهران، بی تا.
- کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم: دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد صلی الله علیهم، ترجمه: علیرضا زکی زاده زنانی، چاپ نهم: وثوق، قم، ۱۳۹۱ ش.
- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم: مکتبه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، چاپ دوم: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چاپ اول: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، چاپ اول: المحبین، قم، ۱۳۸۲ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق: جواد قیومی، چاپ دوم: مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- محدث اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، چاپ اول: بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، چاپ اول: دار الحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، چاپ دوم: دار الحدیث، تهران، ۱۳۸۶ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق.
مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم: دار الكتب الإسلامية،
تهران، ۱۴۰۴ق.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، صدرا، تهران، ۱۳۹۵ش.
مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول: کنگره شیخ
مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

مفید، محمد بن محمد، النکت فی مقدمات الأصول، چاپ اول: المؤتمر العالمي للشيخ
المفید، قم، ۱۴۱۳ق.

مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، چاپ اول: المؤتمر العالمي للشيخ المفید، قم،
۱۴۱۳ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، چاپ ششم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم،
۱۴۱۶ق.

Amir-Moezzi, Mohammad Ali, *The Divine Guide in Early Shī'ism: The Sources of Esotericism in Islam*, State University of New York Press, New York, 1994.

مقالات

امیرموزی، محمدعلی، «صفا قرمی و کتاب بصائر الدرجات»، ترجمه: ابوالفضل حقیری
قزوینی، امامت پژوهی، شماره ۴، ۱۳۹۰ش.

فاریاب، محمدحسین، «جستاری در شأن ولایت تکوینی امامان علیهم السلام»، آینه معرفت، شماره
۳۴، ۱۳۹۲ش.

Amir-Moezzi, Mohammad Ali, "Al-Saffār al-Qummī and his Kitāb Basā'ir al-Darajāt",
journal asiatique, 1991.